

شهرسازی منظر:

رویکردی نوین در معماری منظر و طراحی شهری*

محسن فیضی**

سینا رزاقی اصل***

**Landscape Urbanism:
A New Approach in Landscape Architecture &
Urban Design**

Mohsen Faizi Ph.D**
Sina Razzaghi Asl***

چکیده

وجود مشکلات ناشی از رشد شهرنشینی سریع، بی توجهی به فضاهای باز، حومه های شهری و مسایلی نظیر آن بالاخص در شهرهای اروپایی و آمریکای شمالی موجبات بروز رویکردی جدید تحت عنوان شهرسازی منظر را فراهم آورد. از طرفی به دلیل تعامل و هم پوشانی های زیاد میان رشته های معماری منظر و طراحی شهری در دهه های اخیر و بی توجهی آنها به مسأله منظر و فضای باز به عنوان زیر ساخت اصلی شهر در مقابل رویکرد سنتی به معماری به مثابه عنصر اصلی ساخت شهر، بر رشد و تقویت ایده شهرسازی منظر در جوامع آکادمیک و حرفه ای جهان افزوده است. پژوهش حاضر با هدف شناخت ماهیت، پیشینه و برخی از مهم ترین تجارب صورت گرفته در این حوزه ضرورت پرداخت به این رویکرد را بالاخص در شرایط ایران متذکر می شود. در این راستا یافته های این نوشتار بر این نکته تأکید دارد که شهرسازی منظر به عنوان گرایشی جدید، مبانی نظری، اهداف و موضوعات خود را بیش از همه وامدار رشته های معماری منظر و طراحی شهری بوده و واجد ماهیتی میان رشته ای می باشد. منظر و فضای باز به عنوان عناصر اصلی ساخت شهر، تأکید مرکزی این رویکرد به شمار می روند. بررسی شرایط آکادمیک نیز نشان می دهد که دانشگاه های اندکی به برگزاری دوره های مستقل شهرسازی منظر می پردازند و عمدتاً واحدهای درسی تحت این عنوان در برنامه های درسی رشته های مرتبط به چشم می خورد.

Abstract

The problems of rapid civilizations, ignorance of urban open spaces & urban sprawls especially in Europe and North American cities, cause the new approach "Landscape Urbanism" in recent decades. Besides, interaction and overlaps between landscape architecture and urban design and ignorance of them to the landscape and open space as a main infrastructure of the city has been increased the need for this approach. In the traditional approaches, architecture always considered as a main element of city building. However, with the growing importance of landscape urbanism, this emphasize as been changed.

The main goal of this article is to understand landscape urbanism as a new approach emergent according to the interaction of landscape architecture and urban design. The result of this article shows that landscape urbanism as a new trend owns its fundamentals and goals from landscape architecture and urban design. This approach has an interdisciplinary nature. In this trend, landscape and open space as main elements of the city building are the core emphasizes. The survey of academic conditions shows that a few universities establish independent educational programs of landscape urbanism. Teaching the courses of this discipline is done in the middle of the related programs syllabuses.

Key Words

Landscape Urbanism, Landscape Architecture, Urban Design, Landscape, Open Space.

واژه های کلیدی

شهرسازی منظر، معماری منظر، طراحی شهری، منظر، فضای باز.

*این مقاله برگرفته از مباحث نظری رساله دکتری در دست انجام نگارنده تحت عنوان «تبیین ساز و کار مشترک معماری منظر و طراحی شهری» در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران به راهنمایی آقایان دکتر محسن فیضی و دکتر مصطفی بهزادفر می باشد

mfaizi@iust.ac.ir

** دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران

sina_razzaghi@iust.ac.ir

*** دانشجوی دکتری معماری، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران

**Associate Professor of Architecture & Urban Studies Faculty, Iran University of Science & Technology.

***Ph.D Candidate of Architecture, Iran University of Science & Technology.

مقدمه

شاخه‌ای از علوم معماری منظر و شهرسازی تحت عنوان «شهرسازی منظر»، در مجامع بین‌المللی آکادمیک، شکل گرفته است. میانی و رویکردهای این رشته عمدتاً وامدار میانی رشته‌های معماری منظر، طراحی و برنامه‌ریزی شهری است که به دلیل جوانی از فقر میانی نظری، رنج می‌برد. هدف از این شاخه، ارائه رشته‌ای تلفیقی از معماری منظر و طراحی شهری، به گونه‌ای که به ویژگی‌های شهرسازی در حیطه منظر زمین به عنوان بستر قرارگیری فضا پردازد، عنوان شده است. از طرفی به این رویکرد در شرایط فقدان و یا کمبود فضاهای باز شهری در شهرهای ایران، از آنجا که به منظر و فضای باز به مثابه عناصر اصلی ساخت شهر و به عبارتی زیرساخت اصلی شهری می‌نگرد، می‌توان به طور اصولی و آکادمیک پرداخت. لازمه این توجه در گام اول شناخت و فهم میانی نظری و رویکردهای حرفه‌ای شهرسازی منظر در شرایط جهانی می‌باشد. اساساً پرسش‌های آغازین در نوشتار حاضر این بود که "رشته شهرسازی منظر واجد چه میانی و مفاهیمی بوده و آیا در شرایط ایران می‌تواند به کار گرفته شود؟" در جهت پاسخ به این پرسش نوشتار حاضر از شش بخش تشکیل شده است. در بخش اول به بررسی پیشینه تأسیس و شکل‌گیری این رشته پرداخته می‌شود. سپس تعریف‌ها و مفهومی‌های این رشته مورد بحث قرار می‌گیرد. در بخش سوم ارتباط و نحوه تعامل این رشته با رشته‌های معماری منظر و طراحی شهری به عنوان رشته‌های مرتبط با آن بررسی می‌شود. سپس مهم‌ترین اهداف و رویکردهای شهرسازی منظر بحث می‌شود. بررسی برنامه‌های آموزشی و محتوای مورد تدریس در آنها در بخش پنجم صورت گرفته است. در بخش ششم نیز به معرفی برخی تجارب و گونه‌های عمل این رشته پرداخته می‌شود. در نهایت نیز جمع‌بندی گفته‌ها و ذکر برخی توصیه‌ها در جهت کاربست در شرایط ایران صورت می‌پذیرد.

تاریخچه شهرسازی منظر

پیشینه رشته‌ای که شهرسازی منظر را به عنوان یک حوزه یا رشته ترکیبی تولید کرده است به طور مشخص و روشن وجود ندارد [Gray,2006:9]. جیمز کرنر اولین بار عبارت «منظر به عنوان شهرسازی» را در مجموعه سمینارهایی در سال ۱۹۹۰ تحت عناوین «منظرسازنده» و «منظرترمیمی» مطرح نمود. در سال ۱۹۹۷ چارلز والدیم عبارت «شهرسازی منظر» را مطرح کرد و در سال ۱۹۹۹ در دانشکده معماری انگلستان (A.A) جذب دانشجو در این رشته شروع شد. تمرکز بر شهرسازی منظر در برنامه کارشناسی ارشد معماری تحت نظارت والدیم در مدرسه معماری دانشگاه ایلینویز در شیکاگو در حدود همین زمان شروع شد. در کنار چاپ کتاب‌های «خواننده شهرسازی منظر» و «شهرسازی منظر: یک راهنما برای منظر مکانیکی» مسابقات معماری و شهرسازی برگزار شده در سطح جهانی به عنوان پایه‌های تئوریک این حوزه هستند [Gray,2006:10]. چارلز والدیم در سال ۱۹۹۶، شهرسازی منظر را به عنوان یک توصیف از یک مدل در حال ظهور برای تجربه حرفه‌ای معماری منظر و طراحی شهری مطرح کرد. منظر در این دیدگاه تأکید مرکزی توسعه شهری به حساب می‌آید. مطابق این رویکرد ساختمان‌ها و بقیه زیرساخت‌های اصلی شهر بایستی در ارتباط با منظر طراحی شوند [Beilharz,2004:55].

رشته شهرسازی منظر در ابتدا از دل معماری منظر به منظور شدت بخشیدن به تأکیدش بر فرایندهای از جنس فرهنگی و تاریخی علاوه بر ابعاد اکولوژیکی و طبیعی به وجود آمد [Pollak,2006:127]. ریشه شهرسازی منظر را می‌توان در نقدهای پست مدرن از معماری و برنامه‌ریزی مدرنیستی نیز یافت [Waldheim,2006]. چنانچه چارلز والدیم ریشه بروز این رویکرد را طراحی پارک دولایت اثر برنارد چومی در سال ۱۹۸۰ بیان می‌کند. وی از این کار به عنوان اولین کار معماری منظر در سبک پست مدرن یاد می‌کند [Lindholm,2007].

پدیده شهرسازی منظر نتیجه همگرایی تفکر و عمل طیفی از رشته‌های مختلف است. مثال‌هایی از این حرفه‌های متفاوت شامل: معماری، معماری منظر، اکولوژی، طراحی گرافیک، جغرافیای شهری، آب‌شناسی شهری، جنگل‌بانی شهری، رشته‌های مهندسی و دیگران می‌شوند. مرور ادبیات شهرسازی منظر خاطرنشان می‌سازد که رویکرد میان‌رشته‌ای (Interdisciplinary) یا چند رشته‌ای (Multidisciplinary) به حل مسأله یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این جنبش است. اما همکاری میان حرفه‌های متفاوت

حقیقتاً یک ایده جدید نیست. ظهور رشته های متفاوت در سال های اخیر به شکل گیری زمینه های جدید از قبیل: مهندسی ژنتیک و زیست شناسی مولکولی منجر شده است [Beilharz,2004:47]. شهرسازی منظر نیز از جمله این وقایع به شمار می رود.

تعریف ها و ویژگی های شهرسازی منظر

چارلز والدییم واژه «شهرسازی منظر» (Landscape Urbanism) را برای توصیف تجربیات بسیاری از طراحان برای آنچه که منظر با فرم معماری به عنوان ابزار اولیه ایجاد شهر جایگزین شده بود، به کار برد. والدییم شهرسازی منظر را همانند معماری منظر به عنوان یک رشته طراحی میانی خواند که در فضاهای میان ساختمان ها، نظام های زیرساختی و اکولوژی طبیعی فعالیت دارد [Shane,2006:59].

سمپوزیم گراهام (Graham) در شیکاگو و در سال ۱۹۹۷ شهرسازی منظر را این گونه تعریف می کند: "شهرسازی منظر فهمی از منظر را به عنوان عنصری از زیرساخت شهری پیشنهاد می دهد. در این منظور، منظر در یک زمینه ای از توسعه شهری و کارهای عمومی دیده می شود به جای اینکه به عنوان یک گونه تاریخی هنر، علوم محیطی یا هنر کاربردی تعریف شود. در این رویکرد تفاوت بین رشته ای در شکل سنتی آن میان رشته های معماری، معماری منظر و طراحی شهری در جهت تقویت شناخت و فهم سیستماتیک از محیط مصنوع به تعویق افتاد [Beilharz,2004:56].

شهرسازی منظر یک پارادایم جدید ظهور یافته است که به معنای یکجا جمع کردن حوزه های حرفه ای از قبیل: معماری، معماری منظر، طراحی شهری، برنامه ریزی شهری و برنامه ریزی منظر می باشد. مفهوم اصلی این واژه در "یکجا جمع کردن" است؛ شهری و روستایی، طبیعی و فرهنگی، مقیاس ریز با درشت، موضوعات عمومی با خصوصی [Lindholm, 2007:2]. شهرسازی منظر یک روش بوم شناسانه برای شناخت شهر و اجزایش است [Lindholm, 2007:4]. در مورد اهمیت میان رشته ای برای شهرسازی منظر، کرنر بیان کرده است که شهرسازی منظر دو لغت غیرمرتبط قدیمی را برای پیشنهاد یک رشته ترکیبی جدید در کنار یکدیگر می آورد. همان طور که قبلاً اشاره شد مثال هایی از دانش و حرفه های جدید هستند که از ترکیب دو رشته متفاوت قدیمی شکل گرفته اند مانند: ترکیب زیست شناسی و تکنولوژی که بیوتکنولوژی را تولید کرده است یا ترکیب علم تکامل و مدیریت تجارت که دینامیک سازمانی را ایجاد نمود [Beilharz,2004:50]. در این ترکیب لغت منظر (Landscape) به محیطی که در آن طبیعت غالب است برمی گردد و نه محیط طبیعی [Corner, 2006:26]. همچنین در این مفهوم منظر به عنوان مدلی برای شهرسازی ظهور می یابد [Waldheim,2006:37]. این رشته به عنوان یک تجدید سازمان رشته ای است که در آن منظر جای نقش تاریخی معماری را به عنوان بلوک ساختمانی پایه ای طراحی شهری می گیرد. در میان محدوده ای از رشته ها، تعداد زیادی از نویسندگان به روشنی ارتباط جدید منظر را در توصیف بی ثباتی زمانی و گستردگی افقی شهرها بیان کرده اند. استان آن می گوید:

"منظر در این دیدگاه به عنوان یک وسیله مطرح است که به وسیله کرنر به طور بی همتایی تحت عنوان «توانایی پاسخدهی به تغییر زمانی، انتقال، انطباق و توالی» بیان شده است. این کیفیات، منظر را به عنوان یک وسیله برای درک فرایندهای معاصر شهروندگرایی و به عنوان ابزاری بی همتا و سازگار با نامحدودی، نامعلومی و تغییر که به وسیله شرایط شهری معاصر تقاضا می شود، توصیف می کند. پارک دولاولیت چومی مثال خوبی است که در آن منظر لایه لایه ای، غیرسلسله مراتبی، انعطاف پذیر و راهبردی است".

همان طور که آن اشاره می کند "منظر تنها یک مدل رسمی برای شهرسازی امروزی نیست بلکه شاید مهم تر از همه مدلی برای فرایند باشد" [Waldheim,2006:39]. نخستین اثر ساخته شده در این رویکرد که به نوعی پایه های نظری این گرایش را نیز شکل می دهد، پارک دولاولیت در پاریس است. پروژه های چومی و کولهاس برای این پارک نقش منظر را به عنوان ابزاری که می تواند نقش مهمی را برای شهرسازی پست مدرن بازی کند، بیان می کند. هر دو پروژه فرم نوظهوری از شهرسازی منظر را نشان

می دهند. ساخت یک گستره افقی از زیرساخت ها که ممکن است تمامی مجموعه فعالیت های شهری را برنامه ریزی شده یا نشده، تصور شده یا نشده در تمام زمان ها در خود جای دهد، هدف این رویکرد است [Waldheim,2006:39].

شهرسازی منظر تعدادی از ایده های متفاوت تولید شده مرتبط با منظر در شهرسازی معاصر را در کنار هم می آورد. در این رویکرد منظر به عنوان یک استعاره برای شرایط کنونی شهری به کار می رود؛ همانند «سناریوی حوزه» که به وسیله کرنر و آلن مطرح شد، و یا «منظرشهر» (Urban Scape) که به وسیله ریچارد مارشال (Marshall) عنوان شد و نیز «ماتریس منظر» که به وسیله رم کولهااس عنوان شد. منظر برای ارائه و فهم سیاست های پویا از شهر به کار می رود و در این دیدگاه قویاً به عنوان ابزاری مهم برای ساخت شهر ادراک می شود [Mossop,2006:165].

جیمز کرنر منظر را به طور وسیعی به عنوان «موزائیکی متشکل از مجموع ذات بصری و فضایی فضای زیست انسانی» که محیط، نظام های زیستی و دست ساخته های بشر را با هم ادغام می کند تعریف کرده است [Shane,2006:61]. در شکل قدیمی، نقاشی (منظره پردازی) منظر را به عنوان وسیله ای در محور عمودی قرار می داد. این مسأله در معماری مدرن که از منظر به عنوان پیش زمینه عمودی استفاده می کرد مشخص است. در این حالت معماری یک قاب است که منظر عمودی در آن جای می گیرد [Gray,2006:43]. در معماری پست مدرن، منظر به حالت افقی چرخید و به جای تأکید بر حوزه نمایشی (نقاشی)، منظر تعریف شده، فضای نمادها و نشانه ها را اشغال می کند. در این حالت منظر یک سطح افقی و ادامه دار است [Gray,2006:44].

جیمز کرنر (Corner) و لیندهولم (Lindholm) مهم ترین ویژگی های شهرسازی منظر را به قرار زیر معرفی می کنند :

- ترکیبی: به معنای ادغام طراحی شهری، اکولوژی، زیرساخت ها، معماری و معماری منظر

- زمانی: به معنای طراحی برای تغییر و در نظر گرفتن "فرم به عنوان حالتی موقتی از موضوع"

- چندمقیاسی یا چندسطحی: به مفهوم کاربرد فرایندها به جای فرم ها به عنوان پایه طراحی

- زمینه ای: به مفهوم ترسیم بر اساس اکولوژی، اقلیم و فرهنگ در یک پروژه

- مقاوم: به معنای کاربرد ویژگی های محلی برای تطابق با فرایندهای جهانی

- پیچیدگی: به مفهوم چند وجهی بودن رویکرد

تعامل شهرسازی منظر با معماری منظر و طراحی شهری

همکاری میان حرفه های طراحی شهری برای مدت زمان طولانی یک نرم و عادت بوده است. چیزی که در سال های اخیر تغییر کرده است توالی و تقدم و تأخری است که برای آوردن طراحان به داخل فرایند طراحی دنبال می شود. برای سالیان متمادی، یکی از معمول ترین رویکردها به طراحی شهری این بود که معماران و مهندسان یک پروژه را از اول هدایت می کردند و سپس معماران منظر برای افزودن زیبایی به آن از طریق کاشت گیاهان وارد می شدند. غالب معماران منظر در آخر پروژه و برای پوشاندن ساختارهای زشت که به درستی طراحی نشده اند وارد می شدند. در سال های اخیر تمایل وسیعی برای آوردن معماران منظر، اکولوژیست ها، سایر دانشمندان و حتی هنرمندان محیطی در تیم های طراحی در شروع یا حداقل در مراحل اولیه از فرایند طراحی به وجود آمده است [Beilharz,2004:48]. این درحالی است که سهم معماری منظر در طراحی شهری اخیراً با گسترش رویکرد شهرسازی منظر افزایش یافته است. در این رویکرد منظر طبیعی یک محیط شهری، بر خلاف تأکید رایج بیشتر بر فرم مصنوع، کلیدی برای درک و فهم شهر قلمداد می گردد. شهرسازی منظر بر روابط میان فرم مصنوع و طبیعی با تأکید بر فضاهای باز و رهاشده در شهر متمرکز است. شهرسازی منظر در نظر دارد تا بر سازماندهی انسان به صورتی که به این حوزه ها و مناطق مشترک ارتباط یابد، تأمل کند [Berman,2007:38].

تجربیات و کاربردهای ظهور یافته پیرامون شهرسازی منظر، درس های بسیاری را برای طراحان شهری که به دنبال اتصال ساختارها به جریانات ویژه جمعیتی، فعالیت ها، مصالح ساختمانی و زمان هستند، پیشنهاد می دهد. شهرسازان منظر به حسی از انتقال و تغییر ریخت شناسی شهری [Urban Morphology] مجهز شده اند که اتصال ها و ادغام های جدید و غیر قابل پیش بینی را خلق می کنند و رشته طراحی شهری را از امور رایج، ناامیدی، تقابل دوتایی گذشته و حال، شهر و کشور، داخل و خارج آزاد می کنند [Shane,2006: 65].

اهداف و رویکردهای شهرسازی منظر

همان طور که لیندهولم (۲۰۰۷) به درستی اشاره می کند شهرسازی منظر، ایده واگرا و وسیعی است که به بسیاری از رویکردها و جریانات معاصر در منظر مرتبط است. اما با این حال می توان اهدافی را برای آن برشمرد. مفهوم شهرسازی منظر در یک گونه مشارکتی میان معماران، معماران منظر، طراحان شهری و برنامه ریزان شهری برای دو هدف اصلی تدوین می شود:

۱. کمبود ادراک از شناخت فرایندهای تغییر دهنده بافت شهری؛

۲. عدم کاربرد خلاقانه دانش و تفکر اکولوژیکی در پروژه های طراحی و برنامه ریزی شهری [Lindholm, 2007:4].

این رویکرد ابزاری را پیشنهاد می دهد که به وسیله آن معماری منظر می تواند مجدداً با ساخت شهر درگیر شود و یک نقش سیاسی بیشتر و روشن تر را در مباحث پیرامون شهرگرایی، سیاست عمومی، توسعه، طراحی شهری و پایداری محیطی ایفا نماید [Mossop,2006:165]. شهرسازان منظر در حال نبرد با این موضوع پردردسر هستند که چگونه فرم های شهری متراکم از منظر ظهور می یابند و چگونه اکولوژی شهری، ساخت و اجرای فضاها را حمایت می کند؟ [Shane,2006:63]. روس دوراک، طراح شهری، مطرح می سازد که "ایده شهرسازی منظر نظمی دوباره به ارزش ها و برتری های طراحی شهری با تأکید بر اولویت جای خالی (فضای باز) در کنار فرم مصنوع می بخشد و بر « نامعین بودن و تغییر » در کنار قطعیت ثابت معماری تأکید می کند. سهم قدرتمند آن ممکن است این باشد که چرخه های ترمیمی طبیعی را یادآوری کرده و تلاش می کند تا نقش آنها را برای کاربرد در شهر پررنگ سازد. این نکته برای دربرگرفتن تأثیر انفجار ناشی از رشد شهری در جهان ضروری است" [Beilharz,2004:60].

مرور منابع و تجارب شهرسازی منظر نشان می دهد که چهار رویکرد و گونه اصلی در شهرسازی منظر وجود دارد:

۱. منظر مکانیکی (Machinic Landscape): منظور از این دیدگاه تحلیل و کاربرد نیروهای سایت برای شکل دهی به فرم های معماری ثابت است. محسن مصطفوی اصلی ترین نظریه پرداز این رویکرد به شمار می رود.

۲. عملیات میدانی (Field Operations): آمادگی سطوح را برای کاربردهای بعدی پیشنهاد می دهد و فرم های غیر ثابت و پیچیده شامل: سیستم های نرم منظر، اکولوژی، زیرساخت، توسعه شهری، الگوهای زیست را که با یک محیط متعادل اکولوژیکی و فعال ادغام شده است، شامل می شود. جیمز کرنر نظریه پرداز اصلی این رویکرد است.

۳. زیرساخت شهری (Civic Infrastructure): دربرگیرنده ترکیبی از اکولوژی، زیرساخت و تاریخ به همراه طراحی شهری محرکی (کاتالیزوری) است. در این رویکرد شهرسازی منظر به عنوان زیرساخت شهری بر روش های طراحی زیرساخت شهری به گونه ای که مردم را با محل زندگیشان درگیر سازد و نیز به خلق فضاهای باز عمومی سالم بیانجامد، متمرکز است.

۴. طراحی شهری سبز (Green Urban Design): در ضعیف ترین گونه، طراحی شهری به عنوان شهرسازی منظر ظاهر می شود که به معنای منظرسازی یا سبز کردن تفصیلی طراحی شهری است [Gray,2006]. این رویکرد اشتراکاتی با جنبش «شهرسازی جدید» (New Urbanism) دارد. چنانچه در ذیل برخی از اصول این جنبش (۱۹۹۶)، بر توجه به منظر طبیعی و سبزینگی در شهرها تأکید شده است [CNU,2006].

برنامه های آموزشی شهرسازی منظر

واحدهای شهرسازی منظر در برخی دانشگاه ها و در قالب برنامه های درسی کارشناسی ارشد معماری منظر و طراحی شهری ارائه می شود. از جمله این دانشگاه ها می توان دانشگاه ایلینویز و واشنگتن در آمریکا، تورنتو در کانادا، TU در وین اتریش و ورسایلز در پاریس فرانسه را نام برد. علاوه بر اینها برنامه درسی کارشناسی ارشد شهرسازی منظر نیز در دانشگاه AA لندن ارائه می شود [Lindholm, 2007:2]. برخی دانشگاه ها نیز همچون ام آی تی در آمریکا به شهرسازی منظر به عنوان گرایش خاص در برنامه های درسی برنامه ریزی شهری و یا طراحی شهری می نگرند. دانشگاه کینگستون (Kingstone) لندن به برگزاری برنامه درسی کارشناسی ارشد ترکیبی شهرسازی منظر و اقتصاد پرداخته است که عمدتاً به دلیل گرایش های محلی توسعه اقتصادی مبتنی بر اقتصاد زمین و نظام های شهرسازی موجود در لندن شکل گرفته است.

برنامه «کارشناسی ارشد شهرسازی منظر» در دانشگاه AA لندن عمده دلیل پیشنهاد این برنامه آموزشی را چالش های ناشی از شرایط حومه ای، دوران پسا صنعتی، شهرنشینی سریع و بلایای طبیعی در شهرها عنوان می کند. در این رویکرد جدید، شهر به عنوان یک منظر در نظر گرفته شده و بدین وسیله به مثابه یک اکولوژی فرایندی و پیچیده با مقیاس های جهانی، محلی و منطقه ای مرتبط می شود. برنامه درسی «کارشناسی ارشد معماری در شهرسازی منظر» دانشگاه نوتردام با اتکا به برنامه های آموزشی معماری منظر، در توضیح رشته جدید مذکور عنوان می کند که :

"مرزهای میان رشته های طراحی محیطی مبهم است. به طرز روزافزونی، معماری منظر از دیدهای متفاوت ملازم با هنر، معماری، شهرسازی، اکولوژی و تکنولوژی باید باشد. این رشته به عنوان ادغامی از معماری با طبیعت، تحقیق و بررسی در اکولوژی های منطقه ای، حوزه تجربی برای هنرمندان و یا به عنوان وسیله ای برای تقویت هویت های شهری و منطقه ای درک می شود. بنابراین، معماری منظر تعریف ویژه اش را به عنوان یک حوزه حرفه ای درگیر با طراحی باغ ها و فضاهای باز شهری گم کرده است. این رشته در حال گسترش دادن به حوزه اش برای در بر گرفتن مسائل محیطی معاصر و مباحث فلسفی در مورد نگرش های به طبیعت، طراحی، شهرها و تداخلشان است. در پاسخ به این نگرش جامع به محیط، این برنامه دید جدیدی برای مطالعات تکمیلی به منظور پر کردن خلأ میان هنر، معماری، معماری منظر و شهرسازی پیشنهاد می دهد. واحدهای درسی این برنامه آموزشی پیرامون سه حوزه اصلی طراحی شهری، برنامه ریزی شهری و معماری منظر متمرکز شده اند.

| نام دانشگاه | محتوای دروس شهرسازی منظر |
|----------------|--|
| نوتردام | مبانی اکولوژیکی شهرسازی منظر، مبانی زیبایی شناسی شهرسازی منظر، اطلاعات منظر، مبانی فرهنگی شهرسازی منظر، محیط ساحلی، مناظر مولد، سیاست و تحقق پذیری در شهرسازی منظر، کارگاه شهرسازی منظر، سمینار، پایان نامه |
| ای ای (AA) | مباحث چهارگانه کارگاهی (مدل های نمایه ای - نظام های حساس - شهرسازی شبکه ای - واقعیت)، سمینارها و سخنرانی ها (مدل ها، روش ها و تاریخ - اکولوژی و محیط - مناظر معاصر - شبکه ها، تحرک و راهبرد) و کارگاه های عملی طراحی (نمودار کردن شهرها - نمایه کردن مرزها - شهرسازی ارتباطی - شهرهای پیش ساخته دیجیتالی و کلان شهرها) |
| ام آی تی (MIT) | تئوری شکل شهر، آب در تاریخ، سیاست و طراحی محیطی، مدیریت اکوسیستم، آب، منظر و طراحی شهری، کارگاه طراحی، برنامه ریزی سایت، تجربه و سیاست زمین های قهوه ای، طراحی و برنامه ریزی اکولوژیکی با GIS |

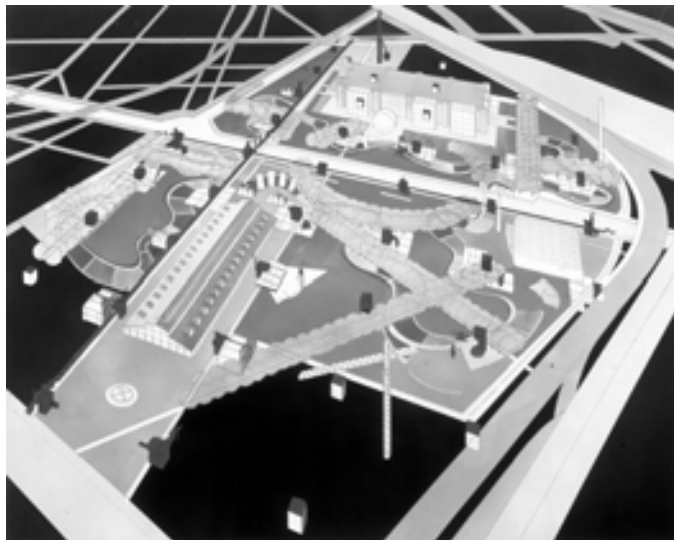
جدول ۱. محتوای دروس برخی از برنامه های پیشنهادی کارشناسی ارشد شهرسازی منظر در دنیا

بانستر اوسا در مورد برنامه های آکادمیک که واحدهای درسی در شهرسازی منظر را پیشنهاد می دهند، بحث می کند. وی اشاره می کند که اگرچه مدارس مختلف رویکردهای متفاوتی را به مطالعه شهرسازی منظر دارند اما آنها همه بر "کاربرد فضای باز به عنوان ابزاری برای تجدید ساختار حوزه های شهری" تأکید دارند. این تأکید بر روی فضای باز به عنوان کلید توسعه شهری یکی از مهم ترین عناصر امیدوارکننده از این جنبش طراحی در حال ظهور است [Beilharz,2004:60].

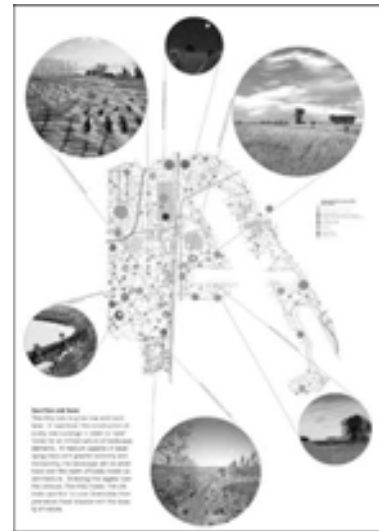
گونه های عمل شهرسازی منظر

عمده تجارب حرفه ای که به شکل گیری شهرسازی منظر انجامیده اند را می توان سه پروژه: پارک دولویل (de la villette) در پاریس، پارک فرش کیلز (Fresh Kills) در نیویورک و پارک داونس ویو (Downsview) در تورنتو نام برد. هریک از پروژه های مذکور موضوع یک مسابقه بین المللی بوده اند که برنارد چومی، رم کولهاس، جیمز کرنر و استان آلن برندگان این مسابقات شناخته شدند. به عبارتی شاید بتوان ریشه های شکل گیری ایده شهرسازی منظر را در آراء و نقطه نظرات این افراد در طی حدوداً دو دهه (از ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۰) جستجو نمود. مفهوم کلیدی در برگزاری این مسابقات این بود که "منظر صرفاً طبیعی نبوده و می تواند با دست ساخته ها و پدیده های مصنوع از طریق طراحی درگیر شود و عامل فرهنگ بایستی به عنوان عنصر دخیل در فرایند مطرح شود" [Gray,2006:16].

ایده ای که در پارک «داونس ویو» توسط دفتر OMA به سرپرستی رم کولهاس مطرح گردید شهر درختی (Tree City) بود. شهر درختی دیاگرامی بود که حالت های بقاء و ماندگاری پارک را به حداکثر می رساند. در این طرح هر خوشه منظر در قالب یک برنامه مشخص برای پارک در نظر گرفته شده و واجد عملکرد ویژه خود است. دیگر مفهوم مرکزی در طرح این پارک استفاده از نظام اکولوژیکی لایه به لایه مطرح شده توسط یان مک هارگ (۱۹۶۹) است. در واقع نظریه مک هارگ به عنوان یکی دیگر از پایه های شکل گیری دیدگاه شهرسازی منظر مطرح است. ایجاد ارتباط میان فرایندها (Processes) و الگوها (Patterns) مهم ترین دستاوردی است که از تئوری مک هارگ در شهرسازی منظر استفاده می شود.



تصویر ۱. پارک دولویل، پاریس، نخستین اثر ساخته شده مطابق رویکرد شهرسازی منظر برنارد چومی، ۱۹۸۰



تصویر ۲. پارک داونس ویو، اثر رم کولهاس، تورنتو، ۲۰۰۰

دیاگرام های جزئی از سکونت حیوانات، نظام های کاشت، نظام های هیدرولوژیکی، رژیم ها و روش های برنامه ریزی که دفتر طراحی «فیلد اپریشن» (Field Operations) به سرپرستی جیمز کرنر و استان آلن در پروژه پارک «فرش کیلز» برای مداخلات

اکولوژیکی در نظر گرفتند، همگی بر مبنای الگوی پیشنهادی مک هارگ در کتاب «طراحی به کمک طبیعت» قابل توضیح است. این پارک را شاید بتوان اولین پروژه با مقیاس بزرگ در حوزه شهرسازی منظر پس از پروژه های داونس ویو و دولویل نام برد. در حقیقت طرح تهیه شده به مثابه یک طرح جامع سه بعدی (Master Plan) انواع لایه های پوشش گیاهی، زیست جانوری و انسانی را مدنظر قرار داده است.



تصویر ۳. پارک فرش کیلز، نیویورک، لایه های پوشش گیاهی، زیست جانوری و انسانی در موازنه با نظام اکولوژیکی اثر جیمز کرنر و استان آلن، ۱۹۹۷

موضوعاتی که در همه پروژه های شهرسازی منظر تکرار می شوند عبارتند از:

- آب: رفتار، انبار کردن، تصفیه سازی و بهبود آب به عنوان یکی از مهم ترین دغدغه های این حوزه است.
- زیرساخت شهری: در نظر گرفتن ذخیره آب، فاضلاب، آب سطحی، تسهیلات و سیستم های حمل و نقل قسمت وسیعی از دغدغه های زیرساختی این رشته را تشکیل می دهند. عملکرد تسهیلات شامل: سلامتی و آموزش، اوقات فراغت، قانون و رسیدگی عمومی نیز قابل توجه اند. یکپارچه نمودن دغدغه های عملکردی با فضای باز قابل استفاده و در برخی موارد آشکارسازی کارهای برخی فرایندها ایده کلیدی در این رویکرد است.
- سیستم های اکولوژیکی و تنوع زیستی: دربرگرفتن اکولوژی منظر علاوه بر ریخت شناسی زمین، هیدرولوژی، اقلیم و پوشش گیاهی، به منظور هویت بخشی به منابع اکولوژیکی موجود و معرفی منابع جدید، ایده اصلی در این پروژه ها است. خلق و تقویت "سکونت حیات وحش به وسیله معرفی مناظر خودپایدار، از نظر اکولوژیکی منسجم و پیچیده" دیگر ایده مرکزی به شمار می رود.
- توالی و فرایندهای طبیعی: منظور از این محور توجه به فرایندهایی است که در درون سیستم های اکولوژیکی رخ می دهد. دانش کاربردی لازم برای این مدل های پویا، در دل شهرسازی منظر است و جریان برنامه ریزی، کالاها، انرژی و مردم را دربرمی گیرد [Gray,2006:50-51].
- موضوعاتی که در همه پروژه های شهرسازی منظر تکرار نمی شوند اما جزء دغدغه ها هستند عبارتند از:
- کشاورزی شهری: به مفهوم کاربرد نظام های کشاورزی به عنوان یک ابزار انتقالی برای پاک کردن و سبز کردن زمین های سمی و درگیر نمودن مردم با محیط شان و در نهایت تولید غذای محلی برای جامعه پیرامونی
- انرژی: به مفهوم تولید انرژی از طریق منابع تولید نو و قابل تجدید از قبیل باد، فتوولتیک، منبع زمین، طراحی برای خرد اقلیم و جهت یابی
- فضای صنعتی زدا: به معنای استفاده از فضاهای میانی و زمین های قهوه ای (Waste Space-Brownfield)
- تفریح: به مفهوم برنامه ریزی سطوح به عنوان فضاهای انعطاف پذیر برای کاربری های تفریحی و متنوع [Gray,2006:52-53].

نتیجه گیری

رویکرد نوینی در حوزه های معماری منظر و طراحی شهری تحت عنوان شهرسازی منظر در طی حدوداً دو دهه اخیر شکل گرفته است. مرور متون و تجارب صورت گرفته در این حوزه نشان می دهد که عمده دلایل بروز رویکرد شهرسازی منظر عواملی از قبیل: رشد شهرنشینی، بروز بلایای طبیعی، شرایط نابسامان حومه های شهری و رشد نگرش های زیست محیطی در شهرهای اروپایی و آمریکای شمالی عنوان شده است. در این رویکرد به منظر و فضای باز شهری به عنوان کلیدهای توسعه و زیرساخت های اصلی شهر نگریسته می شود. از این رو واجد ماهیتی میان رشته ای بوده و در این میان عمده مبانی و اهداف خود را از رشته های معماری منظر و طراحی شهری گرفته است. به عبارتی این حوزه جدید زائیده تفکرات و تعاملات میان دو رشته مزبور در حین فرایند ساخت شهر می باشد. بررسی آکادمیک و محتوای دروسی که تحت این عنوان در قالب برنامه های درسی کارشناسی ارشد و یا واحدهای درسی در سایر رشته ها ارائه می شوند حاکی از وجود رویکرد عمل محور و یا کارگاه محور در سطح جهانی می باشد. چنانچه غالب برنامه ها بر روش های طراحی با محوریت اکولوژیکی و فرهنگی در کارگاه های طراحی تأکید دارند. رویکردهای منظر مکانیکی، عملیات میدانی به عنوان رویکردهای غالب در این رشته به شمار می روند. چنانچه غالب تجارب صورت گرفته از جمله پارک های دولابیلت، فرش کیلز و داونس ویو توسط نظریه پردازان اصلی این جنبش یعنی جیمز کرنر، چارلز والدهیم، محسن مصطفوی، برنارد چومی و استان آلن مطابق رویکردهای مورد اشاره انجام شده اند. همچنین این مطالعات توصیه می کند که به دلیل وجود شرایط مشابه کمبود زمین و فضای باز شهری، بی توجهی به منظر در شکل گیری شهر، رشد سریع شهرنشینی و جمعیت ناشی از آن در شهرهای ایران می توان به طور جدی به ورود این گرایش و کاربست آن در حوزه های آکادمیک و حرفه ای ایران اندیشید.

فهرست منابع

- Beilharz, E.D. (2004), Understanding Landscape Urbanism, Unpublished thesis, Master of Landscape Architecture, the University of Texas.
- Berman, J. (2007), Planners, Architects and landscape architects designing New Orleans: Disciplinary differences in developing the united plan, Unpublished thesis, Master in city planning, Massachusetts Institute of Technology.
- Corner, J. (2006), Terra Fluxus, in: the Landscape Urbanism Reader, (ed.) Waldheim, C., Princeton Architectural Press, New York.
- Congress for the New Urbanism (2006), Charter of the New Urbanism, in: the Urban Design Reader, (eds.) Larice, M. & Macdonald, E., Routledge, New York.
- Gray, C. (2005), from emergence to divergence: modes of landscape urbanism, Unpublished Master thesis, University of Edinburgh.
- Lindholm, G., (2007), Landscape urbanism– large-scale architecture, ecological urban planning or a designedly research policy, Sweden.
- http://tintin.arch.chalmers.se/aktuellt/PDFs/Lindholm_Landscape%20Urbanism.pdf, accessed in 2009/2/8.

- Mossop, E., (2006), Landscape of Infrastructure, in the Landscape Urbanism Reader, (ed.) Waldheim, C., Princeton Architectural Press, New York.
- Pollak, L. (2006), Constructed Ground: Questions of scale, in the Landscape Urbanism Reader, (ed.) Waldheim, C., Princeton Architectural Press, New York.
- Shane, G., (2003), the Emergence of Landscape Urbanism, in the Landscape Urbanism Reader, (ed.) Waldheim, C., Princeton Architectural Press, New York.
- Waldheim, C. (2006), Landscape as Urbanism, in the Landscape Urbanism Reader, (ed.) Waldheim, C., Princeton Architectural Press, New York.
- <http://www.aaschool.ac.uk/lu>. (accessed in 2009/2/11).
- <http://web.mit.edu/landscapeurbanism/courses.html>. (accessed in 2009/2/11).
- http://www.daniels.utoronto.ca/files/LAN2018_07.pdf. (accessed in 2009/2/8).
- <http://architecture.uoregon.edu/downloads/courses/S08Thoren-35866.pdf>. (accessed in 2009/1/10).
- <http://www.kingston.ac.uk/pglandscapecreative/#modulelist>. (accessed in 2009/1/10).
- <http://mysite.pratt.edu/~everbake/Pratt%20Readings/Landscape%20Urbanism.pdf>. (accessed in 2009/1/10).
- <http://courses.washington.edu/greensts/resources/ResourceList.pdf>. (accessed in 2009/1/25).
- <http://www.stanallenarchitect.com/v1>. (accessed in 2009/2/15).